



«روز خوش» به موزه برادران امیدوار می‌رود

برنامه «روز خوش» شبکه جام جم سیما، چهارشنبه ۳۰ مهر در آیتم گردشگری خود سری به موزه برادران امیدوار می‌زند. به گزارش جام جم، شهاب اولیایی، متخصص تغذیه چهارشنبه ۳۰ مهر در برنامه روز خوش اصول تغذیه صحیح را بررسی می‌کند. در بخشی دیگر، دکتر مجید خالقی، متخصص روان شناسی

رایج اشتباه ستون فقرات، در آیتم «خوش‌مزه»، آتش ترخینه به مخاطبان آموزش داده می‌شود. مجله صبحگاهی روز خوش از دوشنبه تا جمعه ساعت ۹ صبح به وقت تهران به تهیه‌کنندگی حسین علیاری از شبکه جهانی جام جم پخش می‌شود.

کودک به موضوع فرزندپروری می‌پردازد. فرید روشنایی، کارشناس گردشگری و مدرس دانشگاه با موضوع ایرانگردی و طبیعت‌گردی این هفته به موزه برادران امیدوار می‌رود و در این موزه وسایل نقلیه این برادران را در معرض دید مخاطبان قرار می‌دهد. در ادامه این برنامه علاوه بر توضیح حرکات

نگاهی به سریال «در قلب من» که این شب‌ها در حال بازپخش است

در پناه یک قلب



فاطمه عودباشی

رسانه

حمید لیخنده از کارگردانان فعال در دهه ۷۰ و ۸۰ بود که در این دوده تلاش کرد با ساخت سریال هایی همچون در پناه تو، در قلب من، با من بمان و... به مشکلات و مسائل جوانان بپردازد. حتی می‌توان گفت که او با ساخت مجموعه در پناه تو توانست در تلویزیون تابوشکنی کند و بعد از ساخت این اثر سراغ کارگردانی مجموعه تلویزیونی در قلب من رفت و می‌خواست دوباره موفقیتش را تکرار کند. گرچه او تلاش کرد باز هم دست روی موضوعات جوانان از زوایای دیگر بگذارد، اما خیلی نتوانست همچون سریال در پناه تو که هنگام پخش آن خیابان‌ها خلوت می‌شد، موفق شود. البته نه این‌که سریال در قلب من مخاطب نداشته باشد، اما این انتظار می‌رفت که دوباره به همان میزان بیننده داشته باشد. او در سریال در قلب من به غیر از آن‌که نگاهی به مسائل و مشکلات جوانان داشت، سراغ زندگی‌های تجملاتی یا به قول معروف لاکچری رفت و تصویرگر زندگی دو خانواده از قشر فقیر و ثروتمند شد. همچنین او در این سریال از سه نسل مسن، میانسال و جوان دعوت کرده بود تا نقش خانواده به معنای واقعی‌اش در کارش پررنگ باشد. به بهانه بازپخش این سریال که این روزها روی آنتن آی‌فیلم ۲ است، نگاهی به جزئیات این سریال داشتیم و با رزیتا غفاری، ایفاگر یکی از نقش‌های اصلی این سریال به نام سارا هم به گفت‌وگو نشستیم که در ذیل می‌خوانید.

قصه تابوشکنی یک کارگردان



در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شاهد مجموعه‌های خانوادگی در تلویزیون بودیم و کارگردانان سعی می‌کردند از زوایای مختلف به موضوع خانواده و مسائل و مشکلات‌شان بپردازند. به همین دلیل کمتر جوانان دستمایه ساخت آثار تلویزیونی می‌شدند تا این‌که حمید لیخنده با دستمایه قرار دادن محیط دانشگاه و ارتباط میان دانشجویان دختر و پسر، سریال در پناه تو را ساخت و با این سریال نه تنها دست روی موضوع جوانان گذاشت، بلکه با تابوشکنی روی برخی جزئیات در سریال، توانست نظر بسیاری از مردم را جلب کند و آنها را پای این سریال بنشاند. او بعد از دو سال با ساخت سریال در قلب من باز هم دست روی موضوع جوانان گذاشت و این بار سعی کرد نگاه تازه‌تری نسبت به ساخته قبلی‌اش داشته باشد. به همین دلیل دختران و پسران جوان قصه از دو خانواده فقیر و ثروتمند بودند؛ خانواده‌هایی که هرکدام به لحاظ احساسی و عاطفی ویژگی‌های خودشان را داشتند. البته لیخنده در این سریال می‌شود گفت که خیلی هم نگاه منطقی به خانواده‌های ثروتمند و فقیر نداشت، زیرا دیدگاهش این بود که خانواده‌های ثروتمند همیشه مشکلات زیادی دارند و به لحاظ عاطفی نسبت به هم سرد هستند و خلاف این اتفاق در خانواده‌های فقیر رخ می‌دهد و آنها بسیار با احساس و با محبت هستند. شاید توجه نکردن به همین جزئیات باعث شد تا او نتواند موفقیت سریال در پناه تو را یک بار دیگر تکرار کند.

یادی از آنهایی که دیگر نیستند



در سریال در قلب من، حمیده خیرآبادی نماینده نسل مسن بود. او در این سریال نقش مادر بزرگ خانواده فقیر را بازی می‌کرد که مادر کریم و رحمان (جمال اجلائی و عنایتا... شفیع) بود. زنده‌یاد خیرآبادی در آن دوران بسیاری از سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی نقش‌های مادران و مادر بزرگ‌های زیادی را به عهده داشت که سعی می‌کرد همیشه نقش‌هایش را شیرین و در عین حال طنان بازی کند. او سال ۸۹ و در ۸۵ سالگی درگذشت. یکی دیگر از درگذشتگان این سریال، زنده‌یاد فریده صابری است که نقش مادر خانواده ثروتمند به نام مریم، همسر اسفندیاری را بازی می‌کرد. او همیشه گلابی می‌کرد از همسرش که چرا رابطه گرمی با آنها ندارد و به مشکلات فرزندانش توجه نمی‌کند و فقط فکر می‌کند آنها نیازشان مادی است. این هنرمند هم سال ۹۶ و در ۶۹ سالگی در اثر سرطان درگذشت. نام زنده‌یاد جعفر بزرگی به گوش می‌رسد، ناخودآگاه مخاطبان به یاد نقش‌های او که همیشه ایفاگر پدر بزرگ‌های مهربان بود، می‌افتند. او در سریال در قلب من نقش دوست کریم را به عهده داشت؛ آدم پخته‌ای که طرف مشورت کریم بود. این هنرمند هم سال ۸۵ درگذشت.

طرح خوابگردی برای اولین بار



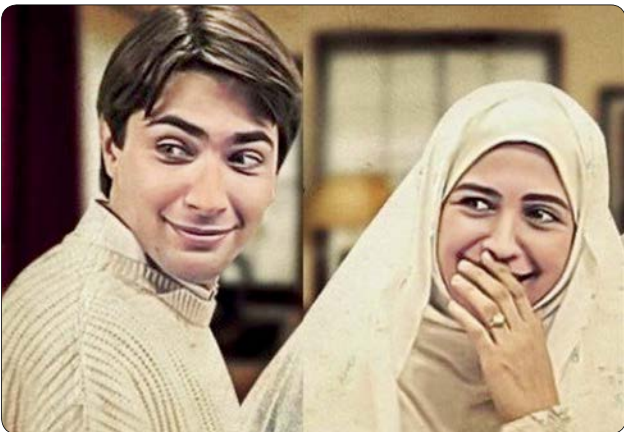
تا قبل از سریال در قبل من، به معضلاتی که خانواده‌ها با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، پرداخته شده بود اما فیلمنامه‌نویسان کمتر به سراغ مشکلات روحی رفته بودند و در این سریال ما شاهد مشکلات روحی و روانی دختر خانواده ثروتمند به نام سارا بودیم و برای اولین بار کارگردان سعی کرده بود موضوع خوابگردی را به تصویر بکشد. گرچه ضعف‌هایی هم این بخش‌ها داشت اما درمجموع پرداخت به این موضوع برای اولین بار خوب بود.

کوله‌ای که مد شد!

پچه‌های دهه ۶۰ خوب به خاطر دارند وقتی سریال در قلب من پخش می‌شد، سینیای قصه (پویا امینی) همیشه با یک کوله مشکی که روی آن یک طرح جذاب بود، دیده می‌شد. همین کوله او مد شد و نوجوانان به دنبالش خرید کوله مشکی بودند که مثل پویا داشته باشند. همچنین در این سریال فرم بستن روسری‌ها و گرم‌ها متفاوت بود که همین هم نگاه مخاطبان را جلب کرده بود.

چه خبر از خانواده لاکچری قصه!

در دهه ۶۰ سریال پاییز صحرا به میزان بسیار اندک تصویرگر خانواده‌های ثروتمند بود اما تصاویر چنین زندگی‌های تجملاتی کمتر در قصه دیده می‌شد و بیشتر درباره‌اش این‌طور دیالوگ گفته می‌شد. می‌توان گفت سریال در قلب من برای اولین بار و به شکل گل درشت به زندگی خانواده مرفه و ثروتمند و به قول معروف لاکچری‌نشین‌ها پرداخت کرد این موضوع حتی منجر به هیاهوهایی در جامعه شد و در زمان پخش سریال همه درباره قشر ثروتمند سریال در قلب من و نوع و سبک زندگی‌شان با هم صحبت می‌کردند. بعدها و بسیار پزرزق و برق‌تر از آن را در سریال «تولدی دیگر» داریوش فرهنگ دیدیم که مورد توجه مردم قرار گرفت.



محبوبیتی که دیگر تکرار نشد

حمید لیخنده نقش دختر و پسر خانواده فقیر را به لعبا زنگنه و پارسا پیروفر سپرد که توانسته بودند نگاه بسیاری از مخاطبان را در سریال در پناه تو جلب کنند. حتی بعد از پخش این سریال بسیاری از نوجوانان و جوانان عکس‌های این دو بازیگر را به اتاق‌هایشان می‌زدند. به همین دلیل لیخنده از آنها برای در قلب من دعوت کرد، ولی حتی حضور این دو بازیگر هم کمک نکرد تا محبوبیت‌شان دوباره تکرار شود. البته در این سریال از جوانان دیگر همچون رزیتا غفاری و پویا امینی هم استفاده شد که امینی اولین کارش و غفاری هم دومین تجربه‌اش بود. از دیگر نکات متمایز سریال در قلب من حضور مادر و دختری (حمیده خیرآبادی و ثریا قاسمی) است که در این سریال نقش‌های مادرشوهر و عروس را بازی می‌کردند اما در مجموع رابطه گرمی میان این دو در قصه بود.

گفت‌وگو با رزیتا غفاری ۲۲ سال بعد از پخش این سریال

به خاطر در قلب من به ملاقلی‌پور نه گفتم



جوانان و مشکلات‌شان می‌پرداخت، نگاهی هم به زندگی تجملاتی برخی از اقشار جامعه و ماجراهایشان داشت که این هم برای اولین بار بود و سریال را جذاب‌تر کرده بود. از سوی دیگر برای این‌که یک سریال بیشتر به چشم بیاید به عوامل زیادی ارتباط دارد که دست‌به‌دست هم بدهند و سریال خیلی مخاطب‌پسند باشد، اما در مجموع معتقدم سریال در قلب من هم در میان مخاطبان موفق بود. در مجموع خاطرات بسیار شیرینی از این مجموعه دارم، زیرا در روزگار دانشجویی‌ام بودم و کنار هم ساعت‌ها تمرین می‌کردیم و روزهای به‌یادماندنی و خوش کم نداشتیم و حس‌های خوب‌مان به خاطر این بود که در یک محیط حرفه‌ای کار می‌کردیم.

شما تاکید کردید که در آن مقطع زمانی کاری پیشنهاد می‌شد روی فیلمنامه

تجربه‌الان را داشتید، باز هم نمی‌پذیرفتید؟

اگر الان این اتفاق می‌افتاد، انتخابم طور دیگری بود. بازی در کار زنده‌یاد ملاقلی‌پور برایم خیلی ارزشمند بود، اما چون قول داده‌بودم، نمی‌خواستم زیر قولم بزنم. در همان زمان به دلیل طولانی بودن زمان کار سریال، چند پیشنهاد شد و رد کردم. در مجموع چون اولین کار تصویر را با آقای لیخنده انجام داده‌بودم، خودم را متعهد می‌دانستم. ضمن این‌که من همه این اتفاقات را قسمت می‌دانم. ضمن این‌که باید تاکید کنم در آن سال‌های جوانی وقتی کاری پیشنهاد می‌شد روی فیلمنامه خیلی حساس بودم؛ زیرا دوره فیلمنامه‌نویسی را در دانشگاه زیر نظر استادقوایی گذرانده بودم به همین دلیل حساسیت زیادی روی قصه داشتم و اگر یکی خط از قصه را می‌خواندم و می‌دیدم ایراد دارد، همان لحظه جواب رد می‌دادم. در واقع خیلی صریح و جسورانه برخورد می‌کردم؛ ولی الان این طور نیستم.

یعنی الان چطور برخورد می‌کنید؟

با توجه به تجربه‌ای که طی این سال‌ها پیدا کردم، نگاه دیگری دارم. الان به گروه سازنده فرصت می‌دهم. پیشنهادهایم را می‌گویم تا کار بهتر شود و وقتی اصلاحات انجام می‌شود، بازی می‌کنم، اما قبلا بدون استئنا رد و از ماجرا عبور می‌کردم. الان معتقدم با همفکری و مشورت می‌توان ایرادهای کار را برطرف کرد. البته نمی‌خواهم بگویم الان همه کارهایی را که انجام نداده‌بودم حتما سراغ‌شان می‌رفتم. ممکن است می‌پذیرفتم یا نمی‌پذیرفتم، اما حتما با منطق و دلایل بیشتری این کار را می‌کردم.

شما چند سالی است که کار می‌هستید. البته شایعات برایتان پیش آمده که مرتب درگیر جراحی زیبایی هستید. آیا این شایعات راد می‌کنید؟

بله، چند سال بیکار بودم، اما با ارسال چند کار انجام دادم و پیشنهادهایی در حال حاضر دارم. بخش بیشتر این شایعات به خاطر ظاهرهم در فضای مجازی دست به دست شد. در حالی که این طور نبود و جراحی زیبایی نکردم. برای اولین بار هم رسانه‌ای می‌کنم. من درگیر بیماری وزن کم که کیدم را داشتم از دست می‌دادم، به همین دلیل مجبور شدم ۲۰ کیلو وزن کم کنم و همین باعث شد از دختری با صورتی گرد و گونه‌های برجسته، خانمی با صورت لاغر شدم، به همین دلیل چهارم متفاوت شده‌است. خوشبختانه بعد از چهار سال باز هم فعالیتیم را شروع کردم و خوشحالم که دوستان مرا فراموش نکردند. اگر کرونا نبود قطعا تعداد بازی‌هایم بیشتر می‌شد. در حال حاضر یک تله فیلم و مینی سریال فرشتگان بی‌بال را در نوبت پخش دارم که این مینی سریال درباره کرونا هست، همچنین در فیلم سینمایی هم بازی کردم که در نوبت اکران است.

کافی است نگاهی به کارنامه هنری رزیتا غفاری داشته باشیم. او از آن دست بازیگرانی است که همیشه مسیر آرامی در بازیگری داشته و عطش بازی در آثار مختلف و پشت سرهم را نداشته‌است. به همین دلیل بینندگان هرزگانه‌ی او را در قالب تلویزیون و سینما می‌بینند. او زمانی که دانشجوی رشته کارگردانی سینما بود، همراه دوستانش که برای تست بازیگری در سریال در پناه تو به دفتر منوچهر شاهسواری می‌رفتند، رفت و جالب است که او برای ایفای یکی از نقش‌های این سریال انتخاب شد و بعد از آن هم در مجموعه تلویزیونی در قلب من به کارگردانی حمید لیخنده عهده‌دار یکی از نقش‌های اصلی به نام سارا بود. سارای قصه به‌دلیل مشکلات روحی و روانی و درگیری‌هایی که با خانواده‌اش داشت دچار خواب‌گردی شده و همین نقش سارا را برای غفاری همراه با چالش کرده بود. با توجه به این‌که این روزها این سریال از شبکه آی فیلم ۲ پخش می‌شود درباره این سریال و اتفاقاتی که در سال‌های اخیر برای او افتاده و مخاطبان کمتر او را در قاب تصویر می‌بینند و شایعاتی که برایش درآورد شده به گفت‌وگو نشستیم.

شما سال ۷۴ در سریال در پناه تو حضور داشتید و بعد از دو سال در سریال در قلب من، چطور در آن سال‌ها که دانشجوی رشته کارگردانی سینما بودید با حمید لیخنده آشنا شدید و در این دو اثر بازی کردید؟ آیا کسی شما را به این کارگردان معرفی کرده بود؟ داستان آشنایی‌ام با آقای لیخنده این‌طور آغاز شد که در یکی از روزهایی که دانشگاه بودم، همراه دوستانم که می‌خواستند به دفتر منوچهر شاهسواری بروند، رفتم؛ البته من در ابتدا از ماجرای تست بازی برای سریال در پناه تو بی‌خبر بودم و بعد خودم را در چنین موقعیتی دیدم و همانجا بود که برای بازی در این سریال انتخاب و با آقای لیخنده آشنا شدم. به یاد دارم سه ماه تمرین کردیم و بعد ضبط سریال شروع شد. در همه سال‌های بازیگری خیلی به این ساختمان سه طبقه که در پیچ شمریان قرار داشت، رفت‌وآمد داشتم. چون دفتر تهیه‌کنندگان دیگر مانند خاتم فرشته طائرپور هم در آنجا بود. البته قبل از این‌که درباره سریال در قلب من حرف بزنم باید بگویم که در سریال در پناه تو یکی از نقش‌های اصلی را به عهده داشتم و دختر دانشجویی بودم که بعدا با پارسا (پارسا پیروفر) ازدواج می‌کنم، اما نقشم در آن مقطع زمانی حذف شد تا این‌که پیشنهاد بازی در سریال در قلب من شد و به خاطر ارادتی که به آقای لیخنده داشتم، پذیرفتم و در این سریال بازی کردم، اما در آن زمان بازی در یک فیلم سینمایی به من پیشنهاد شد، اما قبول نکردم.

چطور بازی در یک فیلم سینمایی را رد کردید و در سریال در قلب من بازی کردید. در حالی که این انتظار می‌رفت که در آن مقطع که بسیار هم جوان بودید در یک سینمایی بازی کنید تا در یک سریال؟

فیلم سینمایی کمک‌کن از سوی خدا بامرز رسول ملاقلی‌پور به من پیشنهاد شد، اما به خاطر این‌که از قبل قول بازی در سریال در قلب من را داده بودم، بازی در این فیلم را قبول نکردم. از سوی دیگر بازخورد سریال در پناه تو در میان مردم خیلی خوب بود و انتظار می‌رفت در قلب هم همین استقبال را داشته باشد. البته به نظرم هر دو جزو سریال‌های موفق بودند. آقای لیخنده در هر دو این آثار نگاه متفاوتی به زندگی جوانان و مشکلاتی که با آن دست و پنجه نرم می‌کردند، داشت. با وجود این‌که این آثار بارها بازپخش شده، اما خوشحالم که همچنان مخاطب خودش را دارد.

شما در این سریال نقش دختری به نام سارا را بازی می‌کردید که به خاطر مشکلات روحی درگیر خواب‌گردی بود و حتی در این حالت باید چشم‌هایش باز می‌ماند بدون آن‌که پلک بزند. برایتان سخت نبود در دومین تجربه این نقش را بازی کنید؟

نقش بسیار سخت و در عین حال خاصی بود. قبل از بازی خیلی از آقای لیخنده مشاوره می‌گرفتم و در آن زمان تجربه‌ام کم بود و مرتب درباره نقش سوال می‌کردم تا بتوانم درست اجرا کنم. همان‌طور که شما گفتید باید نقش سارا را هنگام خواب‌گردی با چشمان باز و بدون پلک زدن بازی می‌کردم و همین کارم را سخت کرده بود.

اما سریال در قلب من نتوانست به اندازه سریال در پناه تو موفق باشد و خیابان‌ها را هنگام پخش خلوت کند.

سریال در قلب من دیدگاه‌های تازه‌ای در سریال داشت و به‌غیر از این‌که به مسائل